

بررسی برهان نظم از منظر اندیشمندان اسلامی معاصر

نویسنده:

جواد پور روستایی

منتشر شده در:

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های فلسفی - کلامی؛ شماره ۴۳

چکیده:

آدمی برای شناخت واقعیت‌ها از چهار روش حسی تجربی، نقلی و حیانی، عقلی برهانی و شهودی عرفانی بهره می‌برد، و از همین رهگذر، علوم گوناگونی را محقق کرده است که در بین آنها فلسفه و عرفان نظری، از روش عقلی برهانی استفاده می‌کنند. روش عقلی، حقایق کلی را که با تفسیر و انتزاع از محسوسات خارجی به دست می‌آید و نیز محصول شهود عرفانی را، با برهان و استدلال تعلیل می‌کند. عرفان نظری صرف تبیین و گزارش مشهودات عارف نیست؛ زیرا عرفان نظری از سنخ علم مصطلح و در حوزه علم حصولی است و چون از سنخ علم حصولی است، نیاز به تعلیل دارد. برای بیان این مطلب لازم است عناوینی چون عرفان عملی و عرفان نظری و عرفان نقلی و عرفان شهودی از هم تفکیک شود؛ زیرا عرفان عملی، برنامه سلوک و راهی است برای شهود حقایق، و عرفان شهودی چیزی جز آنچه عارف در مقام شهود حقایق دریافت می‌کند، نیست و عرفان نقلی گزارشی از یافته‌های شهودی عارف است؛ اما عرفان نظری تعلیل و اقامه برهان و استدلال برای امکان یا ضرورت یافته‌ها است تا برای غیر شاهد قابل پذیرش و دلپذیر باشد. این دانش مانند فلسفه که آن نیز از سنخ علوم حصولی و نیازمند به برهان و استدلال است، در یک حوزه علمی قرار دارند. در این صورت باید تمایز فلسفه و

عرفان نظری را تبیین کرد که این تمایز در روش و ظرافت مفاهیم و ظرفیت ذهن ما و مانند آن است. مقاله حاضر در حد میسر به این مسئله می‌پردازد.

کلید واژه‌ها:

عرفان شهودی، عرفان نقلی، عرفان نظری، فلسفه، برهان و استدلال، علم حصولی، علم حضوری